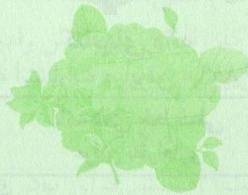


نامۀ حفظ خط



عرفان نظارآهاری

شابلا ۸۷۲ - ۳۶۶ - ۱۸۱۴ - ۰۲ - ۱
۱۸۸۲ - ۳۶۶ - ۱۸۱۴ - ۰۲ - ۱

کتابخانه مرکزی

کتابخانه مرکزی

نامه‌های خط خطی

همه ما راحت حرف می‌زنیم؛ ولی نوشتن برای بیشتر ما سخت است. اما تو بنویس تا یادت بماند که نوشته‌ها، رد پای عبور است. فردا که برگردی و نوشته‌هایت را بخوانی، به یاد می‌آوری که از کجا رد شده و چطور قد کشیده‌ای.

این دفتر هم فقط یک جور بهانه است؛ بهانه‌ی رد شدن و قد کشیدن. این دفتر - این دفتر خط خطی - نه قاعده‌ای دارد و نه نظمی. تنها قاعده‌اش نوشتن برای اوست. با ۵۲ هفته، که در هر هفته‌اش، تو سؤالی داری و در هر روزش مسئله‌ای. برو و بگرد و سؤال تازه پیدا کن.

این روزها، آدم‌ها سرشان شلوغ است. بعضی‌ها حوصله‌ی خدا را ندارند، حال او را نمی‌پرسند. برایش نامه نمی‌نویسند؛ اما تو این کار را بکن. تو حالش را بپرس. تو چیزی برایش بنویس. ساعت‌هایت را با او قسمت کن؛ ثانیه‌هایت را هم.

* * *

و اما آن کتاب آسمانی، یادت هست؟ اسمش قرآن بود. کلمه‌های خدا بود در دست‌های پیامبر. با اینکه این روزها، این کلمه‌ها همه جا هست، اما کسی آنها را نفس نمی‌کشد. کسی با آنها زندگی نمی‌کند. تو اما کلمه‌های خدا را نفس بکش و زندگی کن؛ و اما این آیه‌ها که لابه‌لای هفته‌های تو آمده است، تلنگر کوچکی است به قلب بزرگ تو، تا بروی و سراغی از ایشان بگیری.

دیگر چه بگویم... که تویی و کلمه و خداوند.
پس برایش بنویس... بنویس... هر چه که باشد...